

مرکز مطالعات و  
پژوهش‌ها تخصصی طلبان

# تلاش مذبحخانه سلطنت طلبان

هشدار

بملت قهرمان و دولتمردان جمهوری اسلامی ایران

نهضت آزادی ایران

شهر یور ۱۳۶۲

---

پیرامون تلاش مذبحخانه سلطنت طلبان هشدار بملت قهرمان و دولت مردان جمهوری

اسلامی ایران

ناشر: نهضت آزادی ایران

تیراژ: ۱۰/۰۰۰ جلد

چاپ اول / مهر ماه ۱۳۶۲

کلیه حقوق طبع محفوظ است. نقل از مندرجات فقط با ذکر نام ماخذ مجاز میباشد.

---

## هشدار بملت قهرمان ایران و دولتمردان جمهوری اسلامی ایران پیرامون تلاش مذبوحانه سلطنت طلبان

"وتلك الايام نداولها بين الناس وليعلم الله الذين آمنوا و يتخذ  
منكم شهداء" والله لا يحب الظالمين . وليمحص الله الذين آمنوا و  
يمحق الكافرين (آل عمران ۱۴۰ - ۱۴۱) (۱)

در چند ماه گذشته حامیان ارتجاع و استبداد سلطنتی با استفاده از  
زمینه‌های داخلی و سرمایه‌گذاری استعمار جهانی فعالیت‌های خود را در کشور  
افزایش داده‌اند. از جمله به‌کمک‌رادیوهای بیگانه گروهی را به خروج از خانه و  
تردد در خیابانهای شهرهای کشور دعوت کردند و طبیعتاً "غذای تبلیغاتی  
مناسبی را برای سوء استفاده رسانه‌های گروهی کشورهای استعمارگر و تقویت  
خویش فراهم آوردند. در این مورد یکی از نمایندگان مجلس نیز در نطق قبل از  
دستور خود به مسئله انعکاس مخدوش این وقایع در جهان اشاره نمود.  
در درون کشور نیز شرایط عینی موجود سبب انتشار شایعاتی به نفع این  
ارتجاع گشت.

سیاستمداران شناخته شده‌ای که در نقش سید ضیاء‌الدین طباطبائی ،  
تئورسین کودتای رضاخان و یا مانند علی‌امینی عاقد قرارداد کنسرسیوم نفت بعد از

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محور فعالیت‌های سیاسی خود را بر:

- (۱) اصل جدایی دین از سیاست - یعنی همان اصلی که مصطفی کمال پاشا (بنا حق معروف به "آتاتورک") با پیاده کردن آن موفق به انهدام فرهنگ و استقلال و آزادی واقعی جامعه ترک برای چند نسل شد.
- (۲) اصل بازگشت سلطنت مورثی مشروطه، استوار ساخته‌اند، خوشحال از افزایش فعالیت‌های ارتجاع، بخيال باطل دم از پیروزی خود بر انقلاب اسلامی زده‌اند!

نهضت آزادی ایران هر چند معتقد است که سلطنت طلبان را حداقل در این مقطع توان بالقوه و یا بالفعل بازگشت و استقرار نیست معنذا شتاب نسبی فعالیت‌های این گروه در ماه‌های اخیر و انتشار شایعاتی پیرامون آن که از نظر روانشناسی اجتماعی مبین نارضایتی‌های عمیقی در جامعه است، ایجاب می‌نماید براساس وظیفه و خط‌مشی خود که "حفظ و تداوم انقلاب اسلامی و جلوگیری از انحراف و انهدام آن و استقرار کامل جمهوری اسلامی" است در این مقطع حساس ملت شریف و دولتمردان جمهوری اسلامی ایران را از خطرهای عمده‌ای که در کمین است بر حذر داشته و یکبار دیگر بنا بر وظیفه اسلامی امر بمعروف و نهی از منکر، مسئولان را از ادامه مسیر انحرافی و جامعه را از اغوای خائنان آگاه سازد. اکثر انقلاب‌های جهان دچار رجعت بنظام پوسیده کهن، چه با شکل و محتوای اولیه و چه با شکل جدید و محتوای سابق گشته‌اند. حتی در قیام‌های الهی نیز که رهبری از نقص و ضعف بدور بوده و با اتصال به منبع وحی راه اشتباه نپیموده پس از مدتی که از رحلت پیامبرش گذشته است همان معیارها و نظام‌های شرک بعلت سود جوئی و فرصت طلبی و انحراف و استکبار زمامداران و گردانندگان از یکسو و رسوبات فرهنگی و خصلت‌های مرسوم در جامعه قبل از انقلاب و عدم تزکیه همه جانبه و در نتیجه عدم تغییر اساسی در نفسانیات و عدم رشد و یا حضور آزادی اجتماعی لازم از سوی دیگر، به شرایط سیاسی - اقتصادی - فرهنگی گذشته گاه با قالب‌های جدید و محتوای سابق و گاه با همان قالب اولیه و محتوای سابق استقرار پیدا کرده است.

نمونه بارز رجعت پس از یک قیام الهی، تسلط شرک و نفاق بر جزیره العرب و مکه پس از رحلت ابراهیم(ع) و یا بازگشت فرهنگ جاهلیت و نفاق از طریق حاکمیت امویان بر امور مسلمین پس از گذشت سه دهه از رحلت رسول اکرم(ص) میباشد. در مورد اول بت پرستی و جاهلیت در شکل و محتوی حاکم شد و خانه خدا به بتکده بدل گردید. و در مورد دوم جاهلیت و استبداد و شرک با ظاهر اسلامی رجعت نمود. در حالیکه اگر انقلاب واقعی توحیدی در مفهوم آیه شریفه: "ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم" در تمامی ابعادش صورت گرفته بود، انحراف بعد از حضرت رسول(ص) در باب خلافت، خاصه در دوران خلیفه سوم بوجود نمی آمد و رشد جامعه از یکطرف و حضور معلم معصوم، فرزانه و بی نظیری چون علی(ع) از طرف دیگر طبیعتاً محلی برای تسلط دشمنان آل محمد(ص) و توسعه انحرافات در جامعه مسلمین بجای نمی گذاشت.

در نمونه های انقلابهای بشری خاصه در مبارزات و قیامها و انقلابهای ضد استبداد و ضد استثمار قرون اخیر جهان همین بلای رجعت به نظام کهن بعثت عدم تغییرات بنیادی در مردم و سوء مدیریت و انحرافات و فرصت طلبی های رهبران آن ظاهر گشته است.

۱) از آن جمله است انقلاب مذهبی جمهوریخواهان در فلورانس در انتهای قرن پانزدهم که به رهبری کشیشی متقی و مبارز و سخت سر به پیروزی<sup>(۲)</sup> رسید لیکن بعثت بی توجهی به نیازهای فرهنگی جامعه، عدم آگاهی لازم به مدیریت صحیح، فرصت طلبی انقلابی نمایان و حاصل نشدن هدف های انقلاب پس از دو سال دستخوش اولین دگرگونی و انحراف گشت، بدین معنی که سوداگران و عوامل خاندان سلطنتی آن کشیش مبارز را در کودتایی دستگیر کرده بدار آویختند و بدنش را سوزاندند و خاکسترش را بر باد دادند و مردم نیز بی تفاوت شاهد این ماجرا گشتند.

جمهوری نوپای مذهبی نیز پس از چند سال بدست سلطنت طلبان و ازگون شده و بیش از ۴۰۰ سال پس از آن در سلطه و اقتدار آنان باقی بماند. سرنوشت

مردم پس از رجعت سلطنت طلبان چیزی جز اختناق و تباهی و اسارت نبود .  
۲) انقلاب مذهبی و سیاسی عظیم دیگری علیه استبداد که موجب بسیاری از جهش های فکری اروپائیان گشت ، انقلاب تنزه گرایان (۳) مشروطه خواه در انگلستان است که پس از مبارزات طولانی سیاسی و مسلحانه بالاخره در اواسط قرن ۱۷ به پیروزی انجامید (۴) این انقلاب نیز بخاطر بروز استبداد و سوء مدیریت و عدم توانایی در استقرار امنیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی پس از مرگ کرامول سردار پاکدامن و مومن آن (یعنی ۵ سال بعد از پیروزی انقلاب) با شورش مردم ناراضی و خشمگین علیه دولت نو پای انقلاب مواجه گشت ، مردم از روی استیصال و عدم آگاهی برادر همان شاهی را که اعدام کرده بودند ، بر تخت شاهی نشاندند .

این شاه یعنی چارلز دوم چنان فشار و اختناق را بر مردم هموار ساخت که آنان را بشوراند و موجب بقدرت رسیدن فرزند شاه معدوم شد . این یکی نیز با از پدر و عموی خود فزاتر نهاد و عرصه را آنقدر بر مردم تنگ کرد که عاقبت ویرا نیز با انقلابی دیگر (معروف به انقلاب درخشان) از کار بر کنار ساختند و مشروطه و حاکمیت پارلمان را مستقر ساختند .

۳) انقلاب کبیر فرانسه (۵) نیز مستثنای از این قاعده نبوده پس از دوره کوتاهی که زمام امور در دست روشنفکران محبوب بود (۶) ، فرصت طلبان و انحصار طلبان در قالب اصول گرایی و یا با شایعه سازی و زور اسلحه ، قدرت را در دست گرفتند و آنچنان در لفاف شعار های انقلابی علیه هدفهای اصلی انقلاب عمل کردند که اکثر مردم از انقلاب روی پرتافتند . بعنوان مثال ، آزادی ، که شعار اصلی انقلاب کبیر فرانسه را تشکیل میداد به بهانه حفظ "انقلاب" و جلوگیری از رشد ضد انقلاب کاملان " زیر پا گذاشته شد و حکومت ترور و اختناق و وحشت حاکم گشت . روبسیهر و طرفدارانش با ادعای استقرار "جمهوری فضیلت" دهها هزار تن را در دادگاههای انقلاب از دم تیغ گذراندند و آتش جنگ را با کشورهای خارجی فروزانتر کردند (۵) و عاقبت به سرنوشت محکومین دادگاههای خود دچار گشته ، سرهای خویش بر باد دادند .

همین وقایع و سیاست زدایی و دوری جامعه از انقلاب موجب شد که نزدیک به ده سال پس از پیروزی انقلاب ناپلئون بقدرت رسیده و شش سال بعد نیز بعنوان امپراطور تاجگذاری کند!

ناپلئون نیز در ۱۵ سال امپراطوری خود دیکتاتوری به تمام معنا گشت که شاید تنها حسنش برای ملت، متوجه ساختن قسمت اعظم قهر خود نسبت به ملل دیگر بود. معینا تنها در یک جنگ یعنی جریان فتح اسپانیا بیش از ۳۰۰ هزار جوان فرانسوی را بکشتن داد یعنی ۵ الی ۱۰ برابر تعدادی که در جریان کشتارهای روسپیرو و یارانش جان خود را از دست داده بودند. بعد از آنهم فرانسه توسط اجانب فتح شده و همان خاندان سلطنتی "بوربن" که توسط انقلاب کنار گذارده شده بود دوباره زمام امور را آنهم بعنوان دولتی دست نشانده در دست گرفت. . . .

۴) در انقلاب اکتبر روسیه ۹ ماه پس از پیروزی مردم بر استبداد تزاری، دولت موقت انقلاب توسط کودتای لنینی واژگون گردیده (۷) و جامعه دچار تصفیه و کشتارهای عظیمی گشت. معینا از یکسو مدارا و تساهل لنین به جذب نیروهای مولد و متخصص کمک کرد و از سوی دیگر مظالم سلطنت طلبان مانع از بازگشت خاندان سلطنتی گشت. لیکن نیاز به امنیت اجتماعی و اقتصادی جامعه را بسوی استبداد مطلقه استالینیستی کشانید که در روابط سیاسی بیشتر به حکومت ایوان مخوف و تزاران خودکامه شباهت داشت تا یک نظام انقلابی مدعی نمایندگی مردم. یعنی انقلابی که با شعار عمده "آزادی، برابری و برادری" در ۱۹۱۷ به پیروزی رسید، به بهانه وزیر پوشش حفظ انقلاب عملاً در مسلخ استبداد، ابتدا آرمان آزادی و سپس با تشبیت قدرت و تفوق حزب کمونیست آرمان برادری و آنگاه با تشکیل "طبقه جدید" که مجتمعی از هواداران و متولیان و کارگزاران حزبی بود برابری را نیز از دست بداد. (۸)

برای جلوگیری از طولانی شدن بحث از انقلاب بزرگ دمکراتیک چین در ۱۹۱۱ که همان راه را پیمود و با انقلاب ضد استبدادی مکزیک در همان سال، یا انقلاب ۱۹۴۷ ضد استعماری، ضد استبدادی چین سخن بمیان نمی آوریم. لیکن

بسیاری از وجوه مشترک را باز میتوان در این انقلابها بچشم دید که چگونه پس از چند سالی با همان نظام کهن با ظاهر و باطن اولیه با صورتی جدید و محتوای سابق غلب شده است.

در کشور خودمان تاریخ‌شاهد انقلابات متعددی است که تحت عناوین و پوشش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و مذهبی علیه حکام ظلم و جور قیام کردند، ظالمان را از بین بردند اما حکام جدید تازه بدوران رسیده نوکیسه آنچنان دمار از روزگار مردم برکشیدند که زمینه‌های لازم برای بازگشت نظام پیشین را فراهم ساختند.

نمونه‌های بارز آن قیام و حکومت علویان و همچنین انقلاب مشروطیت است که از یطن آن دیکتاتوری رضاخان سر در آورد که اگر چه شکل ظاهری آن با استبداد سلاطین قاجار فرق داشت اما از جهت محتوای استبدادی از آن نیز سخت‌تر و از جهت وابستگی به سلطه خارجی نیز عمیقتر بود.

انقلاب اسلامی ایران نیز بدلیل خصومت‌ها و خشونت‌ها، انتقام‌جویی و روحیه‌های مارکسیستی، خفقان، انحصار طلبی‌ها و ندانم کاریها و انحرافات و استکبارهای پیدا و نهان مع‌الاسف بسیاری از اشتباهات انقلابیهای دیگر را تکرار کرده و با نادیده گرفتن برخی از ضروریات جذب مردم، رفته رفته آنچنان زمینه‌های ناراحتی و نارضایتی را بالا برده است که افزاینده ناآگاهی حسرت دوران شاه را می‌خورند و دردل طاغوتیان و سلطنت طلبان امید بازگشت رازنده کرده و مردمی چند را نیز در این کشور متاثر از تبلیغات خود نموده است.

این روند راه‌شداری برای ملت و دولت‌مردان باید بحساب آورد. نخست‌این هشدار متوجه افراط‌گران است که باید بدانند برای جلوگیری از تمایل و رجعت مردم بسوی معیارها و روابط کهن راهی جز این وجود ندارد که دست از انحصارگری، بیعدالتی و تفرقه برداشته و رضایت و حاکمیت ملی بر اساس قانون تامین گردد و زمینه‌های درک سیاسی و اجتماعی آحاد جامعه را بالا برده مردم را از توسعه انحرافات و عواقب آن مصون بدارند، چه تنها ضامن تغییر عمیق و درست اجتماعی و استمرار



آن تغییر و دگرگونی درونی و کامل اعضای جامعه است که "ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم" (۹) در صورتیکه بر خلاف چنین مشی تعالی بخش قدم برداشته شود بقایای بجا مانده فرهنگ استبدادی، توسط ارزش‌ها و باورهای والاتری جایگزین نشده در کنار ضعفهای حاکمیت زمینه را برای بازگشت استبداد و استیلای خارجی فراهم خواهد آورد. اما برای رشد فردی در فائق آمدن بر فرهنگ استبدادی تقوی و تزکیه لازم است تا آزادی از بندهای اسارت نفسا ماره و عبودیت‌بندگان حاصل شود و این بدست نمی‌آید الا در لوای آزادی‌های فردی و اجتماعی لازم و معقول که در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی تحت عنوان حقوق ملت پیش‌بینی شده است ولی کمتر بآن اعتنا میشود. از طرف دیگر برای رشد جامعه و تصحیح حاکمیت و زدودن فرهنگ استبداد در سطح اجتماع راهی جز بکار گرفتن دستور الهی امر بمعروف و نهی از منکر نمی‌توان یافت.

از دیدگاه تفکر اسلامی تنها با امر بمعروف و نهی از منکر است که می‌توان از رجعت جامعه به ارزشهای ضد توحیدی و از انحراف و استکبار یک فرد یا گروه و نادیده گرفتن نیازها و منافع جامعه و توسعه قدرت جلوگیری کرد. اما هرگز نمی‌توان امر بمعروف و نهی از منکر را در جامعه عینیت بخشید مگر آنکه آزادی اجتماعی و حضور نیروهای مومن به جمهوری اسلامی ولی مخالف سلیقه‌ها و عملکردهای حاکمان را محترم شمرده و مصون از تهمت و تعرض نمایند. ضرورت این آزادیهای اجتماعی برای تصحیح اشتباهها و انحرافات حاکمیت در متون اصیل اسلامی چون "تنزیه المله و تنبیه الامه" اثر مرحوم آیت الله نائینی تصریح شده و در قانون اساسی نیز محور روابط اجتماعی قرار گرفته است. اصل هشتم قانون اساسی با زیبایی و صراحت می‌گوید:

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر بمعروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آنرا قانون معین می‌کند. (والمؤمنون و المؤمنات بعضهم

اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر /

اما متاسفانه این راه توسط حاکمیت و متولیان انقلاب دنبال نشده است بلکه برخلاف آن جو برجسبزنی و تعبیر هر انتقاد مشفقانه بعنوان عامل تضعیف دولت ورهبری برجامعه حاکم بوده است. در نتیجه حاکمیت، خواسته پانخواسته بدلیل عدول از قوانین و ایجاد جونا مطلوب اجتماعی، سیاسی درحقیقت بزرگترین عامل و زمینه ساز رشد ضدانقلاب گشته است.

اگر این روند خطرناک ادامه پیدا کند فقدان رشد فردی و اجتماعی، بزرگترین زمینه را برای انحراف و سپس خدای نکرده رجعت نظام کهن فراهم می آورد. از طرف دیگر وقتی که آزادی های قانونی رعایت نگشت در سیستم بسته حاکم نه انحرافات فرصت طلبان و دشمنان دوست نمای انقلاب قابل اصلاح است و نه اشتباهات غیر عمدی دوستان. انحرافات و اشتباهاتی که بزرگترین خطر برای سلامت جامعه است و موجب رشد ارتجاع و زمینه ساز رجعت نظام کهن، یا بصورت شکل و محتوا و یا با حفظ شکل ظاهر جمهوری اسلامی ولی با محتوای استبدادی، خواهد شد. در ضمن عدم تامین و تضمین آزادی های قانونی تشکل و یا رشد احزاب و نیروهای مقاوم ملت را مانع شده راه را بیش از پیش برای رجعت قهقرائی آماده می سازد.

نهضت آزادی ایران معتقد است که در حال حاضر مغرضین داخلی، سیاستهای خارجی و دشمنان ایران و اسلام برای جلوگیری از باز شدن جامعه و تحقق آزادیهای مصرحه در قانون اساسی و ایجاد جامعه متعادل اسلامی، پدیده سلطنت طلبان و ارتجاع سلطنتی را با استفاده از زمینه های اجتماعی حاصل از گسترش نارضائی و بی توجهی نسبت به نیازهای مردم بصورت چماقی علم نموده اند تا دولت مردان را وادار به عکس العمل های خشونت بار کرده و نتیجتاً بعنوان جلوگیری از توطئه، حاکمیت را از رعایت اصل آزادی اجتماعی هر چه بیشتر بدور سازد.

ما در گذشته ناظر بر اعمال شیوه های مختلف، نظیر انفجارات کور در خیابانها و مراکز پر جمعیت شهر، بمنظور وادار کردن دولت به عکس العمل های خشونت بار و توجیه عدم رعایت آزادی های قانونی بوده ایم چرا که چنین خط مشی باعث

تضعیف هرچه بیشتر جامعه وجدائی مردم از دولت گردیده و نتیجتاً زمینه رشد عینی منحرفین و وابستگی چون سردمداران ارتجاع سلطنت بیارتجاعی با قالب فریبنده ولی محتوای نظام استبدادی را فراهم میسازد.

بهوش باید بود که برای مقابله در درازمدت و ناامید کردن هرچه بیشتر دشمنان انقلاب باید اجرای قانون اساسی را دنبال کرد و حقوق و آزادیهای تصریح شده را به ملت و جامعه باز گرداند.

تنها از این راه است که هم هدفهای انقلاب اسلامی عینیت می یابند و هم نقشه های استعمار و ارتجاع سلطنتی نقش بر آب خواهد شد.

در صورتیکه بجای قبول و اجرای این مشی، روشها و سیاستهای کنونی ادامه یابد و حاکمیت و حقوق مردم و امنیت اقتصادی و اجتماعی آنان نادیده گرفته شود، بدانید که خداوند غفور رحیم از عبادت بندگان بی نیاز است و بترسیداز آنکه مغولان زمان بر کشورمان بتازند و تاریخ تکرار شود و آن کنند که جهانگشای جوینبی (جلد اول - صفحات ۸۵ تا ۸۲) خبر داده است:

وقتی چنگیزخان بخارا را فتح کرد مساجد را اصطبل اسبان خود نمود و قرآنها را لگدکوب سپاهیان خویش ساخت. در چنین حالی بزرگی روی بامام رکن الدین امام زاده آورده گفت:

"مولانا چه حالتست؟ این که می بینیم پنداریست یارب یا بخواب؟ مولانا امام زاده گفت خاموش باش باد بی نیازی خداوند است که می وزد. سامان سخن گفتن نیست."

که در آنصورت جز خسران دنیا و آخرت نسیمی نخواهید برد چه در این جهان و دیعه بزرگ پیروزی بر طاغوت و کسب قدرت سیاسی و اجتماعی را بشمن بخش از دست داده و آن جهان را نیز بخاطر زمینه سازی اسارت و ذلت جامعه های ایثارگر بر خود تاریک کرده اید. تا وقت باقیست باصلاح مسیر خود به پردازید.

هشدار دیگر نهضت آزادی متوجه مردم دلیر ورنجدیده ایران است که خدای ناکرده بازگشت نظام پوسیده کهن را علاجی بردردهای عمیق اجتماعی خویش بگمان آورد زیرا:

(۱) در هیچیک از شواهد تاریخی (چه در ایران و چه در سایر کشورهای جهان) چنین رجعتی جز خون‌ریزی بسیار و اختناق و تحقیر و سلب آزادی و استقلال جامعه چیزی بارمغان نیاورده است.

(۲) ادعاها و وعده‌های پرفریب سیاستمداران شناخته شده حامی سلطنت موروثی و دم‌زدن‌هایشان از آزادی و استقلال سراب هولناکی بیش نیست. چرا که امکان ندارد نظامیان و سلطه‌جویانی که قدرت و سیطره خود را در استقرار نظام سلطنتی می‌بینند و باطناً "قادر به تحمل آزادی و با احترام به استقلال فردی و جمعی و یابرابری و غیره نیستند، حکومتی مردمی برقرار سازند. این سلطه‌جویان جز برای منافع بیشتر و کسب قدرت گذشته و تکرار شرایطی که حقارت جامعه و بزرگی مجازی خود را تحکیم بخشند قدامت نکرده و نخواهند کرد. مضافاً اینکه این بار برای حفظ قدرت خویش از هیچ ظلم وستم و خونریزی خودداری نخواهند کرد. آیا با چنان سوابقی از خاندان منحوس پهلوی، طاغوتیان فراری، سران فاسد ارتش شاه، ساواکی و یا طیفی از سودجویان و سلطه‌گران و خودپرستان و منحرفین می‌توان به آزادی و استقلال و حاکمیت مردم بر مردم خوش‌بین بود؟

(۳) چه ننگی بالاتر از این برای ملت ایران و مسلمانان که بعد از انقلاب درخشان بی‌نظیر خود رجعت به استبداد و اسارت کند!

(۴) ملت ایران بخوبی بیاد می‌آورد که پس از شهریور ۱۳۲۰ سقوط استبداد رضاخان، فرزند جوان و بی‌تجربه‌اش با صدائی لرزان به انحرافات و استبداد دوران حکومت پدر خود اعتراف کرد و سوگند خورد که راه گذشته را نپیماید. او حتی اراضی غصب شده توسط پدر را به صاحبانشان و یا بدولت بازگرداند و دم از رعایت آزادی ملت و تمکین از قانون اساسی زد ولی چند سالی بطول نینجامید که همه وعده‌های خود را به همراه اراضی غصبی دوباره از مردم و دولت بازپس گرفت! و یکی از فاسدترین دولت‌ها و خشن‌ترین حکومت‌های پلیسی و گسترده‌ترین سلطه فارتگران اجنبی را در ایران مسلط ساخت.

نهضت آزادی ایران بملت شریف ایران و بهمه کسانی که بدلایلی از عملکرد دولتمردان و حاکمیت کنونی ناراضی هستند، هشدار میدهد که هرگز نباید به

دسیسها و وسوسه‌های دشمنان ایران و اسلام تسلیم شد. و نباید برای دستمالی  
 قیصریه را به آتش کشید. آنها که در برابر حاکمیت کنونی و روحانیون حاکم و  
 شیوه‌های عملکرد آنان حساسیت نشان می‌دهند و متعرض هستند باید بدانند،  
 سقوط جمهوری اسلامی تنها معنای نفی حاکمیت کنونی روحانیون نخواهد بود  
 بلکه عملاً مترادف خواهد بود با از بین رفتن کامل آرمانهای مشترک ملت یعنی  
 'آزادی - استقلال - جمهوری اسلامی' و زیر و زبر شدن مملکت و ملت. خناسانی که  
 در صدند از این زمینه‌ها بهره‌برداری کنند، نه با حاکمیت کنونی بلکه با آزادی  
 و حاکمیت ملت و استقلال و عدم وابستگی مملکت و کل نظام جمهوری اسلامی  
 مخالف هستند و در مخالفت با این حاکمیت سوادهای دیگری در سر می‌پرورانند.  
 نباید به این وسوسه تسلیم شد که "بدتر از این که نخواهد شد؟ چکار بدی و چه  
 ظلمی مانده که نکرده باشند که از ترس آن تسلیم وضع آینده نشویم!!" از این ستون  
 به آن ستون فرج است!! اینها پرونده‌ها که نباید بهتر خواهد بود. " و... نظایر  
 اینگونه وسوسه‌های خناسان.

نهضت آزادی ایران ضمن هشدار و اینکه نه باید تصور کرد دشمن فراری  
 منصرف از دسیسه‌بازی و مایوس از مراجعت گشته اطمینان دارد که ملت رشید انقلاب  
 کرده و تجربه اندوخته ایران از ۲۵۰۰ سال استبداد سلطنتی، انقلاب قهقرائی  
 به نظام شاهنشاهی نخواهد کرد و تحت‌تأثیر مجدد اغوای ارتجاع وابسته سلطنت  
 قرار نمی‌گردد تا مصداق آیه:

"یا ایها الذین آمنوا ان تطیعوا الذین کفروا یردکم علی اعقابکم فتنقلبوا  
 خاسرین" (۱۰) کسانی که چنین خواب و خیال واهی در سر بیمار می‌پرورانند باید  
 بدانند که بگفته سعدی

کس نیاید بزیر سایه بوم و رهمای از جهان شود معدوم  
 نهضت آزادی ایران اولین گروهی خواهد بود که بمقابله با استبداد و رجعت  
 طاغوتی می‌پردازد. والسلام علی من اتبع الهدی

نهضت آزادی ایران

۶۲/۶/۲۰

## یادداشتها و مآخذ

(۱) واین ایام (روزگار قدرت و ضعف، روزهای پیروزی و شکست، درگیری‌ها و...) را ما میان مردم دست بدست میگردانیم تا خدا کسانی را که (واقعا) ایمان آوردند بشناسد و گواهان نمونه‌ای (از ایمان و صفات عالی انسانی، مشهود خلق و شاهد راهها و روشها) از شما همی برگیرد و خدا ظالمین را دوست ندارد و برای اینکه خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند (در این درگیریها) خالص و پالوده گرداند.

(۲) بعنوان مثال رجوع شود به کتاب هری. و. لدلر، تاریخ سوسیالیسم ص ۷ (انگلیسی)

(۳) puritans

(۴) بعنوان مثال رجوع شود به کتاب آندره موروا، تاریخ انگلستان

(۵) بعنوان مثال رجوع شود به کتاب آلبرماله تاریخ انقلاب کبیر فرانسه

(۶) ژبروندن‌ها و طرفداران تفویض قدرت به مردم و حاکمیت واقعی مردم بر مردم.

(۷) بعنوان مثال رجوع شود به کتاب کرین پرینتون و... تاریخ تمدن غرب جلد دوم

(۸) بعنوان مثال رجوع شود، کتاب ملوین جیلاس، طبقه جدید

(۹) خداوند سرنوشت قومی را تغییر نخواهد داد مگر آنکه (اعضای آن قوم) نفس‌های خود را تغییر دهند.

(۱۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر کسانی را که کفر ورزیدند فرمان برید شما را براعقابتان برمیگردانند در نتیجه زیانکار منقلب می‌شوید. (پس از انقلاب جهش به پیش، انقلاب قهقراشی خواهید کرد).

این آیه، ندای هشدار در زمینه شکست جنگ احد و حوادث آن است که متضمن عبرتها و برداشتهای تاریخی فراوان میباشد این پایان حادثه نبود بلکه آغاز نفوذ و تبلیغ یهودیان و منافقان گردید، این فرصت ظلمان از موقعیت استفاده کردند تا در میان اجتماع و دل‌های شکسته مسلمانان نفوذ کنند و به چهره

عاقبت اندیشی و خیرخواهی مسلمانان ضعیف را به فرمانبری خود وادارند...  
بهمان مقیاس که در انقلاب به پیش امیدها و استعداد های افراد و اجتماع شکوفان  
میشود و سرمایه در طریق هدف بکار می افتد ، در انقلاب ارتجاع همینکه چشم باز  
کند همه چیز را زیان و خسران می نگرند... این محصول اطاعت و پذیرش ولایت  
طاغوت و کفر ارتجاع است .

قیمت ۲۰ ریال

کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

مرکز پخش: دفتر نهضت آزادی ایران  
تهران - خیابان استاد مطهری - شماره ۲۳۴ تلفن ۸۳۳۷۵۷